

**Predigt am 15. Sonntag nach Trinitatis, 20.9.2020,  
Erlöserkirche Düsseldorf (SELK)  
Pfr. Gerhard Triebe**

**1. Mose, 2,4b-9.15:**

پیدایش باب ۲ آیات ۵ تا ۹ و آیه ۱۵

و آسمانها و زمین و همه لشکر آنها تمام شد.

۵ و هیچ نهال صحرا هنوز در زمین نبود و هیچ علف صحرا هنوز نرویده بود، زیرا خداوند خدا باران بر زمین نبارانیده بود و آدمی نبود که کار زمین را بکند. ۶ و مه از زمین برآمده، تمام روی زمین را سیراب می کرد.

۷ خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید، و آدم نفس زنده شد.

۸ و خداوند خدا باغی در عدن بطرف مشرق غرس نمود و آن آدم را که سرشته بود، در آنجا گذاشت.

۹ و خداوند خدا هر درخت خوشنما و خوشخوارک را از زمین رویانید، و درخت حیات را در وسط باغ و درخت معرفت نیک و بد را. ۱۵ پس خداوند خدا آدم را گرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا کار آن را بکند و آن را محافظت نماید.

اعضای گرامی، یک سال پیش کمیته مشترک فدرال، بالاترین ارگان شرکت های بیمه درمانی قانونی، تصمیم گرفت که زنان بارداری که در معرض خطر هستند، در آینده باید آزمایش خون برای سندرم داون و سایر \* تریزومی ها را تحت هر شرایطی توسط شرکت بیمه سلامت انجام دهند. با آزمایش های خونی که امروزه انجام می شود، و معاینه دقیق در حال حاضر خطر کمتری به وجود می آید و نتایج بیشتر از طریق آزمایش های مایع آمنیوتیک است. با این حال، این آزمایشات فقط باید "در موارد استثنایی با توجیه پزشکی"، به عنوان مثال در بارداری های پر خطر انجام شوند. قبلاً این اتفاق پیش آمده که نتیجه آزمایش احتمال بالای سندرم داون را نشان می دهد، که در بیشتر موارد منجر به انتخاب سقط جنین توسط فرد مبتلا می شود. اگر این آزمایش اکنون از مزایای بیمه درمانی باشد، این می تواند منجر به این انتخاب قبل از تولد کودکان معلول شود.

در ژوئیه ۱۹۳۳، قانون پیشگیری از تولد نوزاد دارای بیماری مادرزادی که عقیم سازی «دون» ها را اجباری می کرد به تصویب رسید. این دادگاهها مسوول عقیم شدن ۴۰۰'۰۰۰ انسان بدون موافقتشان در طی حکومت نازی بودند. پس از آغاز جنگ جهانی دوم، وضعیت افراد معلول به طرز چشمگیری بدتر شد. در پاییز سال ۱۹۳۹ آدولف هیتلر نامه ای صادر کرد و در آن اظهار داشت که "در صورت ارزیابی انتقادی وضعیت بیماران، می توان از طریق سم آنها را کشت". مدیریت برنامه قتل، به اختصار، "عملیات تی ۴" نامیده می شود، و در یک ویلا در خیابان Tiergartenstrasse 4 در برلین مستقر شد. از آن به بعد، روانپزشکان در برلین در مورد زندگی و مرگ افراد معلول و بیمار در سراسر کشور تصمیم می گرفتند. هر کسی که به قضاوت پزشکان "لایق زندگی" نبود، به سرعت از مرکز روانپزشکی به مراکز به اصطلاح قتلگاه برده و در آنجا کشته می شد. در سال گذشته متخصصان تصمیم گرفتند راه را کمی جلوتر برای انتخاب ما انسانها باز کنند. آزمایشات دیگری نیز برای دستیابی به اینکه آیا قبل از تولد مشخص می شود که کودک متولد نشده آرزوها و انتظارات آینده را برآورده می کند و فردی سلامت، فردی با ارزش و ارزشمند در جامعه ما است. از طرف دیگر نگاه کنید، این گونه به نظر می رسد، کسانی که قادر به دستیابی به موفقیت زیادی نیستند، که نمی توانند با ما در این روزگار همگام شوند، یک قربانی هستند، به آنها نگاه تحقیرآمیز می شود و خوب و مفید نیستند. افراد معلول فقط یک بار هستند - نه تنها برای والدین، بلکه همچنین برای سیستم های اجتماعی. به همین ترتیب، امروزه بسیاری از مادران، حتی در مقامات رسمی دولتی، که جرات کرده اند یک کودک معلول به دنیا بیاورند، مورد بی مهری قرار می گیرند.

در کلام خدا برای این یکشنبه، گزینه دقیق دیگری برای این تفکر پیدا می کنیم. بر این اساس، این عملکرد نیست که ارزش یک فرد را تعیین می کند، بلکه شخصیت فرد بسیار بیشتر است و چیزی کاملاً متفاوت از چیزی است که قادر به دستیابی به آن است. او (۱) مخلوق خدا، (۲) روح زنده و (۳) توسط خدا مورد حمایت قرار گرفته است. هرکسی که فقط به صورت سطحی آیات را بخواند، می تواند به سرعت بعد از خواندن این آیات، این سوال در ذهنش نقش

بیندکده : چه توصیف بدوی و غیر علمی از منشأ زندگی انسان است. ما امروز در این عصر خیلی بهتر از گذشته اطلاعات علمی داریم! اما اگر نگاهی دقیق بیندازیم ، به سرعت متوجه می شویم که کلمات کتاب اول موسی(پیدایش) بسیار مناسب و دقیق هستند:

انسان ابتدا از خاک ساخته شده است ، در ابتدا در اینجا توضیح می دهد. چه تحلیل مناسبی! انسان از خاک ، دقیق تر ۶۸٪ از آب ، ۲۸٪ از کربن ، ۶٪ از اکسیژن ، ۲٪ ازت و ۴٪ از اجزای مختلف خاک ساخته شده است. به راحتی می توانید آن را با هزینه ۲۰ یوروی در داروخانه خریداری کنید. اما مسلماً ارزش یک شخص به وسیله ی قسمتهایی که ساخته شده است تعیین نمی شود .

بنابراین چه چیزی باعث ارزش یک فرد می شود ؟ بله ، چه چیزی باعث می شود که شخص به هر حال در قید حیات باشد؟ پاسخ این سوال ظاهراً آسان نیست. کمیته اخلاق کلیسای ما ۵ سال پیش کتابچه ای در این مورد تحت عنوان "زندگی محدود است" منتشر کرد. هدف آن ارائه راهنمایی در مورد مراقبت و مرگ بود . این ماده (مرگ)، در میان چیزهای دیگر ، گفته می شود: "مردن به یک عامل مخد در یک ساختار تفکر سودمند گرا تبدیل می شود. اگر تصویر شخصی [از یک جامعه] بر اساس معیارهایی مانند عملکرد ، بهره وری ، سودمندی یک طرفه باشد ، با اعمال دقیق ، افراد در حال مرگ "ناکارآمد / بی فایده" می شوند. به دلیل بی ارزش بودن / استرس ، افراد در حال مرگ تبعید می شوند ، تحت دارو قرار می گیرند ، و بیشتر به اشخاص ثالث تحویل داده می شوند و به طور جداگانه تحت درمان قرار می گیرند .» طبق نظرسنجی موسسه علوم اجتماعی EKD در ماه مه ۲۰۱۵ ، هم مخالفان و هم طرفداران خودکشی ترس از این دارند که "هر روز تعداد بیشتری از افراد تقاضای داروی مرگبار کنند ، به این دلیل که برای خانواده یا جامعه سنگینی می کنند و اضافی هستند."

از طرف دیگر ، کتاب مقدس این مسئله را از ابتدا کاملاً روشن می کند: فقط یک چیز برای انسان وجود دارد که می تواند اساساً ارزش و کرامت او را تضمین کند - اینکه او مخلوق خداست ، اینکه خدا خودش او را ساخته ، خداوند آنچه را که خواسته در درون او قرار داده است ، و نه فقط انسان اول ، بطور کلی ، بلکه هر انسان و هر فردی به طور خاص خلق شده است. این واقعیت که این شگفتی(پیدایش انسان) باید به سادگی از طریق اصول جهش و انتخاب داروین بوجود آمده باشد ، احتمالاً زیاده گویی آثار جمع آوری شده گوته به طور تصادفی از نامه هایی که در حین انفجار یک چاپخانه به پرواز در آمده اند ، شکل گرفته اند. به نظر من بسیار منطقی تر است که ما انسان ها ، مانند همه موجودات زنده ، توسط یک نابغه ایجاد شده ایم که توانایی های او بسیار فراتر از آن چیزی است که ما انسان ها می توانیم ایجاد کنیم و اثر خود را بگذاریم.

اما اولین کتاب موسی فقط درباره انسان اول در دوره ای از گذشته نیست. این در مورد من و شما است. بر خلاف اولین شخصی که در اینجا گزارش می شود ، شما متولد شده اید ، والدین بیولوژیکی دارید که مسئول ظهور و تولد شما هستند. اما همچنین برای شما شخصاً: شما فقط یک تصادف نیستید ، شما فقط یک انبوه سلول نیستید ، مطمئناً اشتباه نمی کنید. در تمام فرایندهای قابل توجیه طبیعی که منجر به تولد شما شد ، این شخص خدا بود که در محل کار بود ، ارزش بی بدیل شما ، او ، عزت خود را به شما می دهد ، که هیچ انسانی نمی تواند از شما بگیرد ، مهم نیست که مردم به شما چگونه نگاه می کنند و چگونه رفتار می کنند . خدا تو را برای آنچه که هستی خواسته و می خواهد. از نظر او شما فوق العاده هستید ، فارغ از اینکه در مدرسه یا آموزش نمره خوب یا بد داشته باشید ، دوستانتان زیاد یا کم باشند ، مهم نیست که پول زیادی می گیرید یا پول کمی ، مهم نیست آیا خود را زیبا می دانید یا نه ، آیا خود را بسیار موفق می دانید یا یک شکست خورده ، چه سالم باشید و چه مشکلات روانی داشته باشید، بله همچنین آیا معلول هستید یا نه. "تو یک کودک انتخاب شده هستی ، نه یک کودک به طور تصادفی ، هیچ گونه جای تعجبی وجود ندارد ، مهم نیست که آواز زندگی را کوتاه بخوانی یا بلند ، تو در فکر و ذهن خدا هستی ، درخشان همانند دیگری: تو خودت هستی!" - این چنین آوایی را می توانید در کتاب COSi سبز رنگ شماره ۳۷۴ می توانید بخوانید.

اکنون می توان اعتراض کرد: پشه نیز مانند ما مخلوق خداوند است ، همانند من . و من هنوز هم ناراحت نیستم که یک پشه را هنگامی که بخواد نیشم بزند بکشم. در واقع چه چیزی انسان ها را از سایر مخلوقات خدا متمایز می کند؟ آیا فیلسوف استرالیایی پیتر سینگر درست می گوید؟ وی چند سال پیش در مصاحبه ای اظهار داشت: " اگر جینی با ژن هایی که منجر به معلولیت می شوند ، را بخواهید از بین ببرید، کار اشتباهی نیست زیرا یک جنین حق انتخاب زندگی ندارد .

کتاب مقدس به وضوح با این نگرش پیتر سینگر در تضاد است: درست در فصل اول توضیح می دهد که انسان ها ، برخلاف همه حیوانات ، تصویری از خدا هستند و در اینجا در فصل ۲ آن را به گونه ای توصیف می کند که خداوند به انسان نفس زندگی را در بینی او می دم و فرد به یک روح زنده تبدیل می شود. حیوانات هم البته نفس می کشند. اما در اینجا گفته نشده است که خداوند این نفس حیات را در حیوانات نیز دمیده است. انسان به عنوان مخلوق خدا ، بار دیگر در رابطه ای کاملاً متفاوت و مستقیم تر با خدا می ایستد. بله ، این رابطه کاملاً متفاوت و مستقیم با خداست ، همیشه با خدا ، زندگی با او ، که به طور غیرمستقیم با نیروی زندگی خدا در ارتباط است ، همان چیزی است که در نهایت انسان را به وجود می آورد. انسان به سوی خدا معطوف شده و هدف نهایی خود را با زندگی خود تنها در کنار خدا ، خالق خود می یابد.

با انجام این کار ، خدا در عین حال آرزوی آفرینش خود را در انسان ایجاد کرده است ، خواسته مختص خود خداوند. بنابراین نامی به اسم (( زندگی )) واقعاً سزاوار است. همانطور که در زبان عبری در اینجا خوانده می شود ، شخص به یک "Näfäsch" (همان نفس ست که ترجمه یونانی آن روح نیز می باشد.) تبدیل می شود. "یک موجود زنده" - این چیزی است که ترجمه عبری این کلمه به ما می گوید. همچنین می تواند "یک روح زنده" ترجمه شود ، اگر کسی در نظر بگیرد که طبق گفته های کتاب پیدایش، انسان روح ندارد ، بلکه روح است. اما به معنای واقعی کلمه ، "Näfäsch" به معنای " گلو و نای ، چیزی است که برای گرفتن اکسیژن هوا به وسیله آن ". بنابراین این انسان است: کسی که آرزوی هوا ، زنده بودن ، و داشتن تمامی زندگی خود را دارد ، و نه فقط از نظر جسمی ، بلکه بسیار فراتر از آن. انسان - رانده شده در اشتیاق به زندگی: ببینید که چگونه مردم سعی می کنند زندگی خود را پر کنند از مسایل مختلف ، به ویژه اوقات فراغت خود را ، اشتیاق برای به دست آوردن هرچه بیشتر زندگی و از دست دادن کمترین حد ممکن آن دارند. دقیقاً به همان صورتی است که ما در فصل دوم کتاب مقدس توصیف شده ایم. و این اشتیاق به زندگی اکنون از زمان جدا شدن از خدا ، از آنجایی که رابطه اصلی با خدا قطع شده است وجود دارد ، همانطور که در فصل بعدی کتاب مقدس شرح داده خواهد شد ، بعد کاملاً متفاوتی برای ما انسانها پیدا شده است. اکنون دیگر نمی توانیم به درخت زندگی و جاودانگی که در اینجا درباره آن صحبت می کنیم نزدیک شویم. برعکس: ما فانی هستیم و بارها و بارها آن را به طرز دردناکی تجربه می کنیم که در پایان، آرزوی زندگی ما برآورده نمی شود ، که نفس زندگی ما سرانجام در برهه ای خاموش می گردد.

اما خدا نمی خواهد ما سرانجام به طور غیرقابل برگشتی سرنوشت خود را به عنوان یک انسان از دست بدهیم ، که در پایان چیزی بیشتر از کلمات بالای تابوت مان از ما باقی نمی ماند: "زمین به زمین ، خاکستر به خاکستر ، خاک به خاک". خدا نمی خواهد که در پایان زندگی ما فقط آخرین نفس وجود داشته باشد. و به همین دلیل است که او اجازه داد پسرش آخرین نفس خود را بر روی صلیب بکشد ، همانطور که به معنای واقعی کلمه در انجیل لوقا می گوید ، تا بتوانیم در دنیای جدید خدا ، که بهشت است ، دوباره نفس راحتی بکشیم . در حال حاضر در تعمیم ما خدا روح تازه ای به ما دمید و از طریق روح خود در ما اقامت گزید. از طریق این نفس و روح ، ما مجاز به استفاده از درخت زندگی و جاودانگی هستیم که خدا بارها و بارها ما را اینجا در محراب خود قرار می دهد. خدا خودش به ما اجازه می دهد تا در غذای جاودانگی ، در گوشت و خون پسرش سهیم باشیم. مسیح به ما وعده می دهد: "هر که گوشت من را بخورد و خون من را بنوشد ، زندگی ابدی دارد و من او را در روز آخر زنده خواهم کرد." در اینجا ، به عنوان "Näfäsch" ، آنچه را که اشتیاق ما به زندگی را برآورده می کند ، پیدا می کنیم ، در اینجا ما سهمی از زندگی به دست می آوریم که دیگر هرگز نابود نخواهد شد ، و در آن دیگر هرگز ترس نخواهیم داشت که چیزی را از دست بدهیم.

همه ما روح زنده هستیم - مهم نیست که چقدر سالم یا بیمار هستیم ، چه جوان باشیم یا پیر ، مهم نیست که چه چیزی برای ما مفید است یا نه. مسیح از طریق هدیه تعمیم ، از طریق هدیه عشای ربانی خود ، با روح القدس خود در همه ما ساکن شده است. هر یک از ما می توانیم آنچه را خدا آفریده و آن را ساخته در خود بیابیم.

برای همیشه در دنیای جدید خدا ، در بهشت جدید او زندگی کنیم - این مقصد نهایی زندگی ما است. اما تا زمانی که ما هنوز در اینجا روی زمین زندگی می کنیم ، زندگی ما فراتر از نشستن در اتاق انتظار است - به این امید که خداوند هرچه سریعتر ما را به این جهان جدید ببرد. بلکه ما نیز در اینجا و اکنون در زندگی خود و موقعیتی که هم اکنون داریم ، توسط خدا قرار گرفته ایم و جایی قرار داده شده ایم که او می تواند از ما استفاده کند.

در اینجا یک جمع بندی آمده است: "خداوند ، انسان را خلق کرد و در باغ عدن قرار داد تا انسان باغ را ، کشت و نگهداری کند." انسان توسط خدا در باغ قرار گرفته و به او تکلیفی داده شد. این فرمول بسیار قابل درک و زیبا است. این ممکن است ما را به یاد کودکی بیاندازد که فیگورهای Playmobil خود را جایی در ماسه بازی قرار می دادیم که

بیشتر برای آنها مناسب بود. اما خدا اینگونه با آدم بازی نمی کند ، بلکه به او یک حکم خاص می دهد: او باید باغی را که در آن قرار دارد کشت و نگهداری کند.

ما دیگر در این باغ بهشتی نیستیم. ما دیگر در بهشت زندگی نمی کنیم ، اما وظیفه ای که خداوند به انسان اول داد ، امروز نیز در مورد ما اعمال می شود. این همچنین در معاملات ما با تمام کره ی زمین که خداوند ما را در آن قرار داده اعمال می شود: ما باید آن را کشت و حفظ کنیم. ما باید آن را پرورش دهیم ، به این معنی: ما انسان ها می توانیم و مجاز هستیم که چیزی را در این دنیا تغییر دهیم و توسعه دهیم ، در فرهنگ و علم پیشرفت کنیم. اما با تمام آنچه در این زمین انجام می دهیم ، باید همزمان آن را حفظ کنیم ، نه اینکه آن را نابود کنیم و معیشت خود را از بین ببریم.

اما آنچه در اینجا توصیف می شود نه تنها در مورد بشریت به طور کلی ، بلکه در مورد هر يك از ما نیز صدق می کند: خداوند همچنین همه ما را در يك مكان خاص قرار داده و ما را در جایی که می تواند و می خواهد قرار داده است. درست است که امروزه زندگی معمولاً بسیار گیج کننده و پیچیده تر از زندگی مجلل یک باغبان است که بهشت کوچک خود را در باغ خود نگهداری می کند(در اینجا منظور آدم در باغ عدن است). اما این واقعیت را تغییر نمی دهد که خداوند هر یک از ما را در جای خود قرار داده است و همیشه در نظر او هر جایی را که لازم و مهم است قرار می دهد. وظایفی که ما می توانیم و باید انجام دهیم ممکن است بسیار متفاوت باشد. اما همه از نظر او و به روش او برای وی مهم هستند: نه تنها کسانی که در سیاست و تجارت موقعیت قابل توجهی دارند ، بلکه کسانی که شغل معمولی دارند نیز همین طور . خدا همچنین بعضی والدین را در جایی قرار می دهد که از فرزندان خود مراقبت می کنند و در راه زندگی به آنها کمک می کنند. خداوند پدربزرگ و مادر بزرگ را جای خاصی قرار می دهد تا آنها بتوانند وظایف خانوادگی خود را انجام دهند. خداوند افراد مجرد را نیز جای مخصوص شان قرار می دهد تا آنها در کنار افراد دیگر باشند، به خصوص در جامعه. خداوند همچنین افراد معلول را در جایگاه مخصوص به خود قرار می دهد و از طریق آنها به افراد دیگر برکت و نعمت می دهد و آنها را اضافی و زائد نمی داند. خدا هنوز در زندگی تو برنامه هایی برایت دارد.

و با این وجود چنین است: ما معنای زندگی ما در آنچه انجام می دهیم ، و ایجاد می کنیم و در زندگی به دست می آوریم ، نیست. معنای زندگی ما این است که ما توسط خدا آفریده شده و مورد علاقه او هستیم و همچنین خداوند به زندگی ما هدف داده است. و او به ما قول داد که ما به واسطه تعمید مان به این هدف خواهیم رسید. آمین

**\*\*تریزومی (Trisomy)** حضور یک کروموزوم اضافی در سلول است؛ در نتیجه به جای دو نسخه از یک کروموزوم سه نسخه از آن وجود دارد. تریزومی معمولاً در اثر اشتباه در مرحله جدا شدن کروموزوم های هومولوگ در میوز اتفاق می افتد. سندروم داون یکی از شایعترین حالات تریزومی در انسان است که در آن یک نسخه اضافی از کروموزوم شماره ۲۱ در سلول وجود دارد. [سندرم ادوارد و سندرم پاتو از دیگر تریزومی های کروموزوم های اتوزوم هستند. از تریزومی های کروموزوم های جنسی سندرم کلاین فلتر قابل ذکر است.

**\*\*عملیات تی ۴** بزرگترین قتل عام سیستماتیک عقب مانده ها، بیماران روانی و معلولین مغزی در تاریخ بشری به دست آلمان نازی است.